



دعوت مجله علم و تحقیق

(نشریه دینی - اجتماعی)

سال چهارم، شماره هشتم، بهار ۱۴۰۲ هـ ش / ۱۴۴۴ هـ ق

در این شماره

- ★ تقابل منافع قدرت‌های بزرگ در سیستم ژئوپلیتیکی افغانستان
- ★ بررسی علل چالش‌های درون منطقه‌ی سارک
- ★ تقدیر د جبر او انکار تر منخ (د قرآن او سنتو په رڼا کې)
- ★ مقایسه تأثیر سمند نو و کهنه کارخانه غوری بالای خواص مکانیکی کانکریت
- ★ تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی سنگاپور، طی سال‌های

۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰

بررسی علل چالش‌های درون منطقه‌ی سارک

ابوالحسن صالحی

عضو کادر علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی پوهنتون دعوت

Ab.salihi7@gmail.com

چکیده

سارک سازمان همکاری‌های منطقه‌ی در جنوب آسیا است که از زمان تأسیس تا هنوز در زمینه همگرایی منطقه‌ی در جنوب آسیا چندان نقش مؤثری در کاهش تنش‌ها و حل بحران‌های منطقه‌ی ایفاء نکرده است. چالش‌های جدی که میان اعضای سارک وجود دارد، همکاری‌های منطقه‌ی را به مشکل مواجه ساخته است. بازیگران این منطقه با سوءظن نسبت به هم‌دیگر می‌نگرند که تنش‌ها و بی‌ثباتی را در منطقه افزایش داده است. همان‌گونه که علل چالش‌های درون منطقه‌ی سارک در این مقاله مورد بحث می‌باشد، پرسش محوری این‌گونه مطرح شده است: چالش‌های درون منطقه‌ی سارک دارای کدام عوامل می‌باشد؟ فرضیه این پژوهش چنین مطرح شده است: اختلافات سیاسی، اختلافات ارضی و اختلافات مرزی، زمینه همکاری میان اعضای سارک را تحت‌الشعاع قرار داده و رقابت‌ها را تشدید نموده است که در این تحقیق بحث شده است. این تحقیق از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ی می‌باشد. پژوهش‌کنونی از این جهت دارای اهمیت است که چالش‌های درونی میان اعضای سارک را بررسی کرده و آن را برجسته ساخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که کشورهای‌های عضو سارک تمام مسائل مهم و حیاتی را قربانی رقابت‌های سیاسی منطقه‌ی نموده اند که در نتیجه باعث تشدید رقابت تسلیحاتی، افزایش فقر، مانع توسعه اقتصادی و تجارتی درونی منطقه‌ی شده است.

کلید واژه: جنوب آسیا، سارک، چالش‌های درون منطقه‌ی.

Abstract

SAARC is a regional cooperation organization in South Asia that has not played a significant role in regional convergence in South Asia in reducing tensions and solving regional crises since its establishment. Serious challenges among SAARC members have made regional cooperation difficult. The actors in this region view each other with suspicion, which has increased tensions and instability in the region. As the causes of intraregional challenges of SAARC are discussed in this article, the central question raised is: What are the factors of intraregional challenges of SAARC? The hypothesis of this research has been raised as follows: Political differences, land disputes, and border disputes have put regional cooperation among SAARC members under strain and intensified competition, which is discussed in this research. This research is descriptive-analytical and the method of data collection is library-based. The current research is important in that it examines the internal challenges among SAARC members and highlights it. The findings of this research indicate that SAARC member countries have become victims of regional political competition, resulting in intensified arms competition, increased poverty, and hindering regional economic and trade development.

Keyword: South Asia, SAARC, Area of south Asia & challenges of SAARC.

Dawat Academic Journal

Fourth year, volume

8 (spring 2023)

Received: 2023-04-09

Accepted: 2023-07-29

<https://dawat.edu.af/dr/scientific-and-research-journal.php>

مقدمه

جنوب آسیا به شمول افغانستان، هشت کشوری است که همه عضو سازمان سارک می‌باشند. این سازمان به منظور توسعه اجتماعی و فرهنگی، بهبود کیفیت زندگی و رشد اقتصادی، تقویت روابط علمی و فرهنگی و همکاری میان کشورهای عضو سازمان، تأسیس شده است؛ اما اختلافات ارضی و مرزی میان اعضای سارک از جمله هند با پاکستان و پاکستان با افغانستان، سبب شده است که این سازمان منطقه‌یی را در تطبیق برنامه‌هایش به مشکل مواجه نمایند. از سوی دیگر این سازمان نیز از خود چندان اختیاراتی ندارد و تصمیم‌های سیاسی کشورهای عضو در مسائل مختلف تعیین‌کننده است و نیز سارک تلاش می‌کند تا در امور داخلی اعضا دخالت نکند. اختلافات سیاسی و سرزمینی در منطقه جنوب آسیا، مانع برای همگرایی اقتصادی شده و این موضوع باعث گردیده است که نقش سازمان سارک در جنوب آسیا کاهش یابد. امروزه سازمان سارک نقش گمرنگ در حد تشکیل اجلاس و مذاکرات سالانه میان اعضای خود دارد.

جغرافیای طبیعی، انسانی و فرهنگی منطقه جنوب آسیا، مدل‌های متنوع مدیریت سیاسی دولت‌ها، ساختار اقتصادی و انگیزه‌های توسعه و صنعتی شدن کشورهای منطقه، ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای تدوین سیاست‌های منطقه‌گرایی محسوب می‌شوند. علی‌رغم این مزایا، هم‌زمان برخی مشکلات و اختلافات میان دولت‌ها و جوامع، زمینه‌های واگرایی و تعارض کشورها را فراهم ساخته و گاهی مسائل را پیچیده‌تر می‌کند. (مصفا و نوروزی، 1393: 630) افزون بر آن، جنوب آسیا یکی از بی‌ثبات‌ترین و پر جمعیت‌ترین مناطق دنیا بوده و یکی از مهم‌ترین عواملی است که سبب نا امنی منطقه‌یی در جنوب آسیا گردیده، بحران کشمیر می‌باشد. بحران کشمیر از زمان جدایی هند و پاکستان مانند آتش زیر خاکستر، لاینحل مانده است. این بحران باعث شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌یی و بین‌المللی در جنوب آسیا شده و این ترتیبات عمدتاً بر محور هند و پاکستان می‌چرخند. مسائل حوزه سارک (جنوب آسیا) اعم از نظامی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی متأثر از اختلافات این دو

عضو کلیدی هند و پاکستان می‌باشند. چالش‌های درونی سارک عمدتاً متأثر از اختلافات این دو عضو کلیدی است که بر روابط سایر کشورهای سارک نیز سایه افکنده است و سایر کشورهای سارک هم باید بر محور هند و پاکستان حرکت کنند. پرسش پژوهش کنونی این گونه مطرح می‌شود: چالش‌های درونی سارک دارای کدام علل می‌باشد؟. فرض این پژوهش بر این است که: اختلافات سیاسی، اختلافات ارضی و مرزی، زمینه همکاری میان اعضای سارک را تحت‌الشعاع قرار داده و رقابت‌ها را در میان اعضای این سازمان تشدید نموده است. هدف اصلی این تحقیق بررسی و تبیین علل چالش‌های درونی سارک است. به این منظور که این سازمان چرا نتوانسته است بر آن چالش‌ها فایق آید که باعث شده است که این سازمان منطقه‌یی در حل بحران این منطقه ناکام بماند. روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش کتاب‌خانه‌یی است و نوع تحقیق، تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در زمینه سازمان همکاری‌های منطقه‌یی جنوب آسیا (سارک) کتاب و مقالاتی زیادی تحریر شده است که از جمله مقاله تحت عنوان «پیمان سارک و تأثیر آن بر منطقه‌گرایی» توسط محمد جواد آقاجری و سیمین سادات رستمی فر تحریر شده و در سال 1391، در پژوهشنامه روابط بین‌الملل به نشر رسیده است. در آن مقاله تلاش صورت گرفته است تا تأثیرات پیمان سارک را در همکاری منطقه‌یی برجسته سازند. در مقاله حاضر عدم همکاری‌های منطقه‌یی میان اعضای سارک بررسی می‌گردد. مقاله دیگری تحت عنوان «منطقه‌گرایی نهادمحور در آسیای جنوبی: کارایی سنجی سارک، سپتا و نفتا» توسط سیداحمد فاطمی نژاد تحریر شده و در سال 1393، در «فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی» منتشر شده است. این مقاله کارایی و عمل‌کرد سازمان سارک را در منطقه جنوب آسیا مورد مطالعه قرار داده است. مقاله حاضر در پی شناخت علت‌های عدم کارایی سارک در منطقه جنوب آسیا می‌باشد که نتوانسته یک سازمان منطقه‌یی تأثیرگذار در منطقه عرض اندام نماید. کتاب تحت عنوان «منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آسه آن

بررسی علل چالش‌های درون‌منطقه‌یی سارک / 51

سارک و اکو» توسط دکتر علی امیدی تألیف شده و در سال 1388 در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه ایران به چاپ رسیده است. در این کتاب کارکرد سارک را به عنوان یک سازمان منطقه‌یی مورد مطالعه قرار داده است؛ اما در پژوهش حاضر چالش‌های درونی میان سارک را مورد مطالعه قرار گرفته است.

پس مقاله حاضر یک موضوع جدید است و تا هنوز کسی چالش‌های درونی سازمان همکاری‌های منطقه‌یی جنوب آسیا (سارک) را مورد مطالعه قرار نداده است. از این جهت، تحقیق کنونی یک تحقیق تازه و جدید می‌باشد.

چارچوب نظری

چالش‌های که در منطقه جنوب آسیا وجود دارد، از یک سو توجه جامعه جهانی را به خود جلب کرده و از سوی دیگر موجب نگرانی کشورهای این منطقه شده است. بعضی از کشورهای این منطقه از جهت ثبات سیاسی متزلزل هستند. این در حالی است که همکاری و همگرایی منطقه‌یی با ثبات سیاسی نیاز دارد. اگر کشورها در امور داخلی خود دچار چالش و بحران باشد، دیگر فرصتی برای برون‌گرایی و همکاری فراملی وجود ندارد. (امیدی، 1388: 177) میزان همگرایی منطقه‌یی از دیدگاه کانتوری و اسپینگل معلول چهار عامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سازمانی است. این نظریه‌پردازان معتقدند که همبستگی اجتماعی و تشابه ابعاد اجتماعی واحدها در ایجاد همبستگی و یا بر عکس عدم همبستگی منطقه‌یی نقش دارند. تشابه و تجانس بین نوع نظام و رژیم سیاسی در نظر این نظریه‌پردازان می‌تواند مشوق تحکیم همگرایی منطقه‌یی باشد. عامل مکمل بودن اقتصادی و توزیع منابع در کنار عامل سازمانی، به همبستگی و یا بر عکس جدایی بازیگران منطقه‌یی یاری خواهد داد. (سیف‌زاد، 1392: 304) در سازمان منطقه‌یی سارک، یکی از مشکلات اساسی آن مکمل نبودن اقتصاد اعضا است که به جای همکاری با همدیگر رقابت می‌کنند. امروزه تحلیل‌گران علاقه زیادی به مطالعه مسائل و موضوعات مربوط به منازعه منطقه‌یی و چگونگی برخورد با آن دارند. عموماً گمان بر این است که مناقشات

منطقه‌یی به صورت دغدغه و نگرانی اصلی سیاست‌گذاران باقی خواهند ماند؛ زیرا هم تهدیدات جدایی علیه صلح و اقدامات امنیتی به شمار می‌روند و هم باعث مشکلات پیچیده‌ای در مدیریت مسائل امنیتی می‌شوند. مناقشه منطقه‌یی موجب طرح عام، کلی و منطقه‌گرایی در ذهن می‌شود که زمانی با زور و قدرت تأمین می‌شد. (لیک و مورگان، 1395: 41) از لحاظ امنیت، منطقه به معنی شبه سیستم مشخص و مشهوری برای روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌ها است که از لحاظ جغرافیایی نزدیک باشند و از لحاظ تاریخی، ایده سیستم منطقه‌یی در تفکرات توازن قدرت مؤثر بوده است. برداشت فعلی از الگوهای امنیت منطقه‌یی به قدری ضعیف است که می‌توان با مطالعه ارزشمندی از دیدگاه دیگران پیرامون امنیت جنوب آسیا، آشکارا پذیرفت که انتخاب مجموعه کشورهای خاص به عنوان منطقه‌ای لزوماً تابع تعریفی دلخواهانه بوده است. (بوزان، 1389: 213) اتحادیه‌های گمرکی یکی از اشکال همگرایی میان دولت‌هاست. در این ترتیبات، دولت‌ها تعرفه‌های گمرکی را از روابط تجاری میان خود حذف می‌کنند؛ اما یک تعرفه مشترک بیرونی تدوین می‌کنند و آن را علیه همه دولت‌های دیگر به کار می‌گیرند. ترتیبات مربوط به اتحادیه‌های گمرکی معمولاً مبتنی بر چند مرحله از هماهنگ‌سازی میان دولت‌های عضو است. (مشیرزاده، 1395: 40) در سارک اتحادیه‌های گمرکی سپتا و نفتا به همین منظور ایجاد شده؛ اما در تطبیق برنامه‌هایش چندان مؤفق نشد.

تأسیس سارک

سازمان همکاری‌های منطقه‌یی کشورهای جنوب آسیا که به اختصار «سارک» نامیده می‌شود، یک سازمان منطقه‌یی فعال در جنوب آسیا بوده و متشکل از کشورهای افغانستان، بوتان، بنگلادش، هند، نپال، مالدیو، پاکستان و سریلانکا می‌باشد. این سازمان در سال 1985 سند تأسیس آن تأیید شد. در جنوب آسیا نا امنی یکی از جدی‌ترین مسائلی است که امنیت و صلح و ثبات حوزه جغرافیایی فعالیت این سازمان را برای سال‌های متمادی با

تهدید روبه‌رو کرد. این سازمان در سال‌های فعالیت خود اقداماتی را برای مبارزه با بی‌ثباتی و نا امنی انجام داده است. (طلایی و جاویدبخت، 1400: 287)

بنگلادش با تنش‌ها و اتفاقات خشونت‌بار میان هند و پاکستان در سال 1971 به استقلال رسید و برای برقراری روابط دوستانه در منطقه، پیش قدم شد. رئیس‌جمهور وقت بنگلادش (ضیاء‌الرحمن) پس از دیدار از کشورهای هند، پاکستان، نپال و سریلانکا با ارائه پیشنهادی مبنی بر همکاری منطقه‌یی بین کشورهای منطقه، جنوب آسیا را اعلام کرد. ضیاء‌الرحمن در سال 1980 با ارسال نامه‌هایی به سران دولت‌های منطقه، گام اول را برای چاره‌جویی برداشت. اجلاس وزرای خارجه هفت کشور منطقه (هند، پاکستان، بنگلادش، سریلانکا، مالدیو، نپال و بوتان) در کلمبو در سال 1981 به منظور دستور کار برای پیگیری ایده ضیاء‌الرحمن در تشکیل سازمان منطقه‌یی بود؛ اما فضای تعارض و بدبینی مانع عملی کردن این ایده شد. دو سال بعد، در سال 1983 در اجلاس وزرای خارجه کشورهای مذکور که در دهلی‌نو برگزار شد، برنامه‌ای با نام «برنامه تکمیل عمل کرد» به صورت رسمی بحث و تبادل نظر شد تا همکاری منطقه‌یی به صورت رسمی آغاز شود. این اتفاق برای سال 1985 متصل با اجلاس وزرای خارجه در داکا پیش‌بینی شد و در 8 دسامبر 1985 با امضای توافق‌نامه‌ای، اتحادیه جنوب آسیا برای همکاری منطقه‌یی (سارک) تأسیس و آغاز به کار کرد. این حرکت مهم ناشی از ادراک واقع‌بینانه رهبران سیاسی از شرایط درونی و محیطی منطقه در آن سال‌ها بود. (مصفا و نوروزی، 1393: 632) اما پاکستان در ابتدا با این پیشنهاد مخالفت کرد؛ زیرا بیم آن را داشت که هند بر این گروه تسلط یابد. هند نیز شاکی بود شاید به این دلیل که این طرح را وسیله‌ای برای محدود کردن تسلطش می‌دید. (فرزین‌نیا، 1374: 220)

مؤسسين سارک اهداف اصولی را نیز مدنظر قراردادند که بازگوکننده مواردی از جمله همکاری در چارچوب اتحادیه بر اساس احترام به اصول حاکمیت برابر، تمامیت سرزمینی، استقلال سیاسی و عدم دخالت در امور داخلی دولت‌های دیگر و احترام به منافع

متقابل، تأکید بر همکاری‌ها به صورت دوجانبه و چندجانبه و لزوم هماهنگی و همکاری‌ها با تعهدات دوجانبه و چندجانبه کشورهای عضو می‌باشد. (آفاجری و رستمی فر، 1391: 19) همگرایی منطقه‌یی در جنوب آسیا در قالب سارک شکل گرفت. سارک بزرگ‌ترین سازمان منطقه‌یی با شرکت هفت کشور در سال 1985 با اهدافی مانند ارتقا رفاه و بهبود کیفیت اجتماعی، تسریع رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی و فرهنگی در منطقه و فراهم کردن زندگی شرف‌مندانه برای مردم کشورهای منطقه، ارتقا و تحکیم خوداتکایی و جمعی، تفاهم و درک مشکلات اعضا، ارتقای همکاری و کمک متقابل در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، فنی و علمی تحکیم همکاری با سایر کشورهای در حال توسعه و تحکیم همکاری میان اعضا در مجامع بین‌المللی، آغاز به کار کرد. سارک در طول این سال‌های فعالیت خود، همواره در تلاش بود که اهداف و اصول اولیه و اساسی تصویب شده را عملی و منطقه‌گرایی را در این منطقه تثبیت کند. سارک از زمان بنیان‌گذاری تا هنوز، مجموعه اقداماتی را انجام داده است که مهم‌ترین آن‌ها به بخش‌های کشاورزی، سلامت و بهداشت، توان‌مندسازی زنان و جوانان و حمایت از کودکان، کاهش فقر و توسعه منابع انسانی مربوط بوده است. (کریمی و همکاران، 1400: 282) هدف اولیه سارک حفظ صلح در آسیای جنوبی و ایجاد فرصت تعامل میان اعضای آن پیمان بود؛ اما بعدها پنج هدف عمده برای آن در نظر گرفته شد که عبارت اند: 1- ارتباطات بهتر؛ 2- هموار کردن مسیر تجارت و سرمایه‌گذاری؛ 3- گسترش توریسم؛ 4- همکاری در بخش برق و انرژی؛ و 5- تقویت بخشی خصوصی.

در کل هدف سارک این می‌باشد که با تقویت همکاری منطقه‌یی و بهبود رفاه و کیفیت زندگی، باعث ثبات در منطقه شود. (فاطمی نژاد، 1395: 100) همچنان مقر اصلی این سازمان در شهر کتماندو، پایتخت کشور نپال است و جلسات سالانه آن در هر کشور برگزار می‌گردد و در حال حاضر ایران، چین، موریس، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، آمریکا و اتحادیه اروپا، اعضای ناظر سازمان سارک محسوب می‌شوند.

چالش‌های منطقه‌یی سارک

جنوب آسیا، یکی از آخرین مناطقی است که با وقوع چالش منطقه‌گرایی نوین تشکیل شده است و تاکنون در چارچوب آسیا، تاحدودی منزوی است. سازمان سارک، به عنوان سازمان منطقه‌یی جنوب آسیا، اختیار چندانی از خود ندارد و همه چیز به اراده سیاسی دولت‌های عضو مربوط می‌شود. به لحاظ نهادی، سارک مقدمات همکاری منطقه‌یی را فراهم کرده است. در حال حاضر می‌توان از بسترسازی سارک برای همکاری منطقه‌یی صحبت کرد تا همگرایی. هرچند سارک توانسته است برنامه‌های درازمدتی را برای ایجاد منطقه آزاد تجاری تدارک ببیند؛ ولی اعضای اصلی آن هنوز در تصویب اسناد اولیه نیز دچار ناهمسویی هستند. به نظر می‌رسد اینکه سارک توانسته است یک راهبرد تجاری درازمدت را برای منطقه آسیای جنوبی ترسیم کند؛ اما اجرای این طرح با موانع زیادی روبه‌رو است. سارک در حوزه‌های دیگر مورد عقلاقه اعضا مانند فقرزادگی و کشاورزی، اسنادی را تصویب و برپایه آن‌ها نهادهایی را نیز ایجاد کرده است. (کریمی و همکاران، 1400: 282)

به نظر رهبران کشورهای عضو سارک تنش‌های سیاسی و اختلافات مرزی عامل مهم در جدایی ملت‌ها و کشورهای منطقه بوده است؛ به همین دلیل مؤسسين سارک امیدوار بودند که از طریق اهمیت دادن به همکاری در زمینه‌های سیاست‌های ملایم مانند امور تجاری و اقتصادی به تدریج بتوانند بر چنین مشکلاتی که مانع همکاری و صلح در منطقه است، فایق آیند. (آقاجری و رستمی‌فر، 1391: 25) یکی از مهم‌ترین عوامل واگرایی یا چالش منطقه سارک، فقر شدید و مکمل نبودن اقتصاد این کشورها است؛ زیرا بیشتر این کشورها، جزو کشورهای در حال توسعه جهان هستند و کشاورزی، خدمات و صادرات مواد اولیه، مهم‌ترین منابع درآمدی آن‌ها به شمار می‌آیند. همین عامل سبب شده است که روابط تجاری کشورها، به جای درون‌منطقه‌یی بودن، برون منطقه‌یی باشد. به همین جهت حجم

تجارت درون منطقه‌یی، حدود پنج درصد می‌باشد که نشان دهنده مکمل نبودن اقتصاد کشورهای این منطقه است. (همان، 1400: 282)

چالش‌های مختلفی مانند موارد زیر پیش روی کشورهای عضو سارک وجود دارد:

1- اختلافات سیاسی هند و پاکستان و روابط غیردوستانه آن‌ها به ویژه اختلافات ارضی بر سر جامو و کشمیر؛

2- مشکل تقسیم آب رود گنگ بین هند و بنگلادش؛

3- اختلافات هند و سریلانکا بر سر گروه جدایی طلب بیرها تامیل؛

4- تراکم انبوه جمعیت، ضعف اقتصادی و فقر منابع؛

5- اختلافات افغانستان و پاکستان بر سر خط دیورند؛

6- شیوه تصمیم‌گیری در این سازمان که بر اساس اتفاق آرا است و در نتیجه موانعی را

روند تصمیم‌گیری‌های این سازمان ایجاد می‌کند. (موسی‌زاد، 1395: 329)

در کل مشکل کشورهای جنوب آسیا جمعیتی است. اگر تمام کشورهای جنوب آسیا (هشت کشور) با خصوصیات نژادی، جغرافیایی و فرهنگی مشترک داشته باشند؛ فقر گسترده، زیرساخت‌های توسعه‌نیافته، روابط ضعیف، شورش‌ها، بی‌اعتمادی و سوءظن طولانی به هم‌دیگر از مشخصه‌های این منطقه بوده است و مملو از تضاد می‌باشد. (دلینیک و پاندی، 1392: 15) با توجه به این، مشکلات زیادی در جنوب آسیا وجود دارد تا هنوز کدام اراده‌ای قوی در حل مشکلات این منطقه صورت نگرفته و موانعی که در همکاری وجود دارد برداشته نشده اند: به همین اساس یک سازمان منطقه‌یی ناکام در همگرایی منطقه بوده که عمده‌ترین چالش‌های آن قرار ذیل مطرح می‌شود:

1. تفاوت دیدگاه اعضا بزرگ و کوچک

دیدگاه کشورهای آسیای جنوبی نسبت به منطقه‌گرایی و تشکیل نهادهای منطقه‌یی با یکدیگر متفاوت بوده است. هند و پاکستان به عنوان از اعضای بزرگ و مهم‌ترین کشورهای آسیای جنوبی، از یک طرف نسبت به این سازمان از رفتار رقیب در آن بیم

داشتند و از طرف دیگر، اهداف یک‌جانبه خود را دنبال می‌کردند. در مقابل کشورهای کوچک آسیای جنوبی از هر گونه ابتکار و طرح همکاری و همگرایی منطقه‌یی حمایت کرده و وجود نهادهای منطقه‌یی حتی را نسبت به نبود آن‌ها ترجیح می‌دادند. (فاطمی نژاد، 1395: 100) در این صورت دیدگاه‌های اعضای کوچک و بزرگ سارک به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند:

الف- دیدگاه اعضای بزرگ: هند و پاکستان از اعضای بزرگ و قدرت‌مند سارک هستند. پاکستان به این باور بود که با عضویت در سارک می‌تواند برای تقویت روابطش با سایر کشورهای کوچک‌تری منطقه‌یی، از این سازمان بهره‌گیرد و با استفاده از این سازمان برای کاهش نفوذ هند سود ببرد. پاکستان نیز نگرانی داشت که هند سازمان سارک را در جهت تقویت هژمونی خود مورد استفاده قرار می‌دهد و با پیوستن خود (پاکستان) روابط نزدیک این کشور را به آسیای غربی آسیب بزند. سران اسلام‌آباد بر این باور بودند که سازمان منطقه‌یی سارک امکان دارد به آزادی آن‌ها در امور خارجی لطمه وارد کند و تبدیل به ابزار هند برای متحد کردن شبه قاره علیه پاکستان، تضمین بازار منطقه برای کالاهای هندی و در نتیجه تحکیم سلطه اقتصادی‌اش برای منطقه گردد. به همین دلیل پاکستان تمایل به رشد سارک نداشته و از راه‌اندازی روابط تجارتي با هند خودداری کرد.

در مقابل، هند نیز در آغاز از سازمان سارک هراس داشت و اینکه دست غرب در این سازمان باشد و دیگر این که سازمان سارک باعث متحد شدن همسایگان این کشور، فشار بر دهلی‌نو شود. به عباره دیگر، هند نگران بود که تشکیل سارک می‌تواند فرصتی برای همسایگان کوچک‌تر فراهم نماید تا تمام مسایل دوجانبه را منطقه‌یی کنند و از طریق پیوند با پاکستان علیه هند متحد گردند. هندی‌ها بر این باور بودند که اگر همکاری منطقه‌یی نهادینه شود و تصمیمات بر اساس آراء اتخاذ شوند، هند جایگاه خود را از دست می‌دهد. (فاطمی نژاد، 1395: 101) هند با فاصله محسوسی از نگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی از تمام کشورهای اعضای سارک بالاتر است و به جز پاکستان رقیب دیگر در این سازمان

ندارد. قدرت هند در سال‌های پسین به شدت افزایش یافته و در منطقه تثبیت شده است، بدون حضور هند، سارک اعتباری خاصی ندارد. در صورتی که اقتصاد مهم‌ترین گزینه در مناسبات بین‌المللی می‌باشد؛ از این منظر نیز هند برتری قابل ملاحظه‌ای از دیگر اعضای این سازمان دارد، عملاً این سازمان را تحت‌الشعاع قرار داده است. از یک نگاه، هند در گروه سارک به گونه تقریبی همه‌کاره شمرده می‌شود؛ زیرا در حدود 72 درصد مساحت، 77 درصد جمعیت، 84 درصد اراضی قابل کشت و 90 درصد منابع طبیعی حوزه‌ای کشورهای سارک را در اختیار دارد و 22 درصد مخارج دبیرخانه آن را می‌پردازد که به عنوان بزرگ‌ترین و با نفوذترین کشور و نیز مادر همگی آن‌ها است. (دهقان و کاظمی، 1390) کشورهای عضو سارک به نقش هند رسمیت داده است و اختلاف با پاکستان در سطح بالایی حفظ شده است و سایر کشورها از نقش منطقه‌ی هند خوش‌بین می‌باشند.

ب- دیدگاه اعضای کوچک: سازمان سارک باعث هم‌افزایی قدرت و ارتقای موقعیت کشورهای کوچک یا ضعیف در سطح منطقه‌ی و جهانی می‌شود. سارک با وجود ناکامی‌ها، فرصت مطلوبی را برای کشورهای کوچک آسیای جنوبی فراهم کرده است تا نقش ایفاء کنند. اعضای کوچک هواداران اصلی تشکیل منظم نشست‌های این سازمان و فعالیت‌های آن‌ها هستند. دیگر اینکه سارک باعث آگاهی و هویت منطقه‌ی در آسیای جنوبی شده است. این هویت منطقه‌ی می‌تواند سکویی برای پرداختن به ملاحظات منطقه در سطح جهانی باشد. ارتقای همگرایی منطقه‌ی در آسیای جنوبی از منازعات سیاسی منطقه، به ویژه منازعه هند و پاکستان آسیب دیده‌اند و اما چشم‌اندازهای همگرایی به آهستگی در حال بهبود هستند و می‌تواند خود را از سایه منازعه هند و پاکستان خارج سازند. برعلاوه آن، سارک می‌تواند پل میان کشورهای کوچک و بزرگ آسیای جنوبی باشد. هند و پاکستان نیز با حفظ ملاحظات مخصوص به خود، مؤفق شده‌اند تا از این کانون منطقه‌ی برای تقویت پیوندهای اجتماعی و اقتصادی‌شان با کشورهای کوچک عضو سازمان استفاده کنند. گرچه سارک موفقیت در پیوند هند و پاکستان به همدیگر نداشته؛ اما هر یک از آن‌ها را به

صورت جداگانه به کشورهای کوچک منطقه پیوند زده است. در نهایت سارک به آزادسازی اقتصادی در کشورهای کوچک کمک کرده و می‌تواند مقدمه شکوفایی اقتصادی و همگرایی بین آن‌ها باشد. در صورتی که عوامل مانند حکومت‌های ضعیف، حمایت ناکافی داخلی، نبود شفافیت داخلی و ارتباطات محدود مانع رشد سارک می‌شوند. آزادسازی اقتصادی در کشورهای عضو این سازمان باعث خوش‌بینی به آینده آن می‌گردد و از جمله کشورهای بنگلادش، نپال و سریلانکا به ترتیب آزادترین کشورهای آسیای جنوبی برای واردات منطقه‌یی و هند و پاکستان نیز به ترتیب بسته‌ترین کشورها در این زمینه هستند. (فاطمی نژاد، 1395: 103) کشورهای کوچک سارک در کل از منازعه هند و پاکستان متأثر می‌باشند و اعضای کوچک نتوانسته در حل منازعه هند و پاکستان اقدام جمعی نمایند تا از رقابت اعضای بزرگ در قالب سارک جلوگیری نمایند.

2. تعاملات دوجانبه به جای چندجانبه

یکی از دیگر از دلایلی که باعث ناکامی سارک در تقویت همکاری منطقه شده است، طرح دوجانبه بوده که این خود به تضعیف سارک بیشتر کمک نموده است. در ایجاد ترتیبات چندجانبه به علت رقابت هند و پاکستان باعث شد که دهلی‌نو وارد مذاکرات دوجانبه با کشورهای منطقه شود و این مسئله خود به خود، فضای تعاملات چندجانبه را محدود کرده است. از این‌رو، برخی تحلیل‌گران پاکستانی براین باورند که دوجانبه‌گرایی هند باعث ناکامی سارک شده است. در مقابل هندوها استدلال می‌کنند که بسیاری از مسائل این کشور با همسایگان اساساً دوجانبه بوده و مورد دغدغه سایر کشورهای عضو نیست. این ناکامی‌ها سبب شده است که دیدگاه‌های مختلفی در مورد وضعیت سارک و چشم‌انداز آینده آن مطرح شود. (فاطمی نژاد، 1395: 105)

روابط دوجانبه باعث ایجاد موافقت‌نامه تجارت آزاد بین هند و سریلانکا از سال 1998 بدین‌سو وجود داشته و موافقت‌نامه‌ای مشابه بین هند و بنگلادش شکل گرفته است و در عمل یک رژیم تجارت آزاد حقیقی بین هند و نپال، هند و بوتان عمل می‌کند. (فارل و

همکاران، 1394: 364) در جهت غلبه بر موانع و محدودیت‌ها، توافقنامه‌هایی جهت تسهیل تجارت آزاد در دستور کار قرار دارد. همچنین هند برای گسترش همکاری‌های دوجانبه با کشورهای عضو سارک تلاش کرده است. رهیافت کشور به کشور برای هند مزایای اقتصادی زیادی فراهم آورده است. علی‌رغم توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه، تجارت درون منطقه‌یی محدود است. (کریمی، 1401: 147) کشورهای آسیای جنوبی تلاش کرده اند که ترتیبات گوناگون، همکاری تجاری دوجانبه میان خود را گسترش دهند. از جمله این ترتیبات می‌توان به موافقت‌نامه‌های تجاری هند-مالدیو 1981، هند-نیپال 1991، هند-بوتان 1995، هند-افغانستان 2003، هند-سريلانکا 1998، هند-بنگلادش 2006، پاکستان-نیپال 2002، پاکستان-سريلانکا 2002 و سريلانکا-مالدیو اشاره نمود. طوری مشاهده می‌شود، هم هند و هم پاکستان با سريلانکا موافقت‌نامه تجاری آزاد دارند و بدین صورت، پیشرفته‌ترین اقتصادهای جنوب آسیا از طریق موافقت‌نامه‌های دوجانبه باهم در ارتباط هستند. در این میان هند و پاکستان به جز از اعطای وضعیت کامل‌الوداد به همدیگر، هیچ موافقت‌نامه‌ای تجاری قابل توجهی ندارند. (فاطمی نژاد، 1395: 108) در صورت که ماده دوم منشور این سازمان، صریحاً مسائل دوجانبه را خارج از دستور کار آن می‌داند.

3. تجارت برون منطقه‌یی به جای درون منطقه‌یی

کشورهای آسیای جنوبی در ابتدا رویکرد محافظه‌کارانه و محدودکننده نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشتند؛ اما این خط مشی از دهه 1990 به بعد تغییر یافت. این مسئله باعث رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه جنوب آسیا شده است. اما کشورهای جنوب آسیا بیشتر در زمینه نهادهای تجارتی منطقه با دو مشکل عمده مواجه بوده است. از یک طرف میزان تجارت قانونی در درون این منطقه بسیار پایین می‌باشد و از طرف دیگر، تا اواسط دهه 1990 نهاد تجاری ویژه و فراگیری در این منطقه وجود نداشت. این مسئله تا حدودی از موانع تجاری گسترده در این منطقه نشأت می‌گرفت که بعضی موانع

بررسی علل چالش‌های درون‌منطقه‌یی سارک / 61

تجارتی درون‌منطقه‌یی جنوب آسیا مانند موانع مربوط به امنیت و دموکراسی، منازعات و تنش‌های دوجانبه میان کشورهای عضو، بالا بودن هزینه‌های حمل و نقل، موانع مرزی، نبود نظام هماهنگ حمل و نقل، مشکلات در زمینه تخلیه و بارگیری کالاها، دشواری حمل و نقل دریایی و بنادر، رویه‌های گمرکی پیچیده و رویه‌های غیرشفاف مدیریتی در امور گمرک بوده است و کشورهای جنوب آسیا برای رفع موانع تجاری موجود، چند سال پس از تأسیس سارک، به فکر ایجاد نهادی تخصصی تجاری بین خود افتادند. (فاطمی نژاد، 1395: 107) دو نهاد تجاری سپتا و نفتا را ایجاد کرد؛ اما این دو نهاد نیز چندان موفقیت کسب نکرده است.

با وجود نزدیکی جغرافیایی و توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه تجارت آزاد، جنوب آسیا از نظر همگرایی اقتصادی، عملکرد بسیار ضعیف دارد؛ طوری که تجارت درون‌منطقه‌یی تنها پنج درصد از تجارت کل منطقه را شامل می‌شود. در سال‌های اخیر بزرگ‌ترین اقتصاد این منطقه (کشور هند) تلاش کرد تا روابط تجاری خود را با کشورهای منطقه جنوب آسیا توسعه دهد. دهلی نو برای ایجاد یک فضای باز متشکل از کشورهای جنوب آسیا و برپایی همکاری منطقه‌یی، اقدامات لازم را انجام داده و پشتیبانی اصلی تشکیل منطقه تجارت آزاد بوده است. (کریمی، 1401: 145) همگرایی اقتصادی منطقه‌یی در آسیای جنوبی دچار رکود می‌باشد. در صورت که آمارهای رسمی تجارت، بیان‌گر حجم واقعی آن میان کشورهای آسیای جنوبی نبوده و بخش اساسی تجارت درون‌منطقه‌یی آسیای جنوبی از طریق مجاری غیررسمی، اعم از شبکه‌های قاچاق مرزی و کشورهای طرف سوم انجام می‌شود. سهم تجارت درون‌منطقه‌یی در آسیای جنوبی نسبت به برون منطقه‌یی بسیار ناچیز است. موانع تعرفه‌یی و غیرتعرفه‌یی تا حدود زیادی مانع رشد تجارت درون‌منطقه‌یی در آسیای جنوبی شده و آن را به منابع فرامنطقه‌یی هدایت نموده و این موضوع در خصوص هند و پاکستان برجسته‌تر از سایر کشورهای آسیای جنوبی است. (فاطمی نژاد، 1395: 115) علی‌رغم توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه، تجارت درون‌منطقه‌یی محدود است.

یکی از مهم‌ترین دلایل این امر نبود مزیت نسبی اقتصادی در منطقه است که امکان مکمل‌های اقتصادی را دشوار می‌سازد. دیگر مانع مهم در برابر تجارت درون‌منطقه‌یی، ایفای نقش برادر بزرگ توسط هند است که سبب واگرایی و ترس کشورهای کوچک‌تر شده است.

دورنمایی اقتصاد منطقه‌یی به دلیل اختلاف هند و پاکستان تضعیف شده است، تا جایی که پاکستان حتی از داشتن روابط تجاری عادی با هند اجتناب می‌کند. طرح‌های یک نهاد تجارت ترجیحی آسیای جنوبی (سپتا) و یک موافقت‌نامه تجارت آزاد آسیای جنوبی (سفتا) در منطقه زیر چتر سارک ایجاد شد و به طور مؤثر تا هنوز مؤفقیتی کسب نکرده است. (فارل و همکاران، 1394: 364) چشم‌انداز همگرایی منطقه‌یی که در جنوب آسیا اثر بگذارد، دارای دورنمایی کمتری برای همکاری اقتصادی است؛ زیرا مشابهت‌های اقتصادی دولت‌های جنوب آسیا باعث می‌شود که بیشتر رقیب یکدیگر باشند تا مکمل یکدیگر. (بوزان، 1389: 229) به همین اساس، سارک ناکامی‌های متعددی را تجربه کرده و برای حل آن، کشورهای عضو باید سعی بیشتری داشته باشند. چون اولین ناکامی سارک در زمینه اقتصاد بوده که همگرایی بسیار ضعیفی را تجربه کرده است و این امر عوامل مختلف دارد:

- ✓ مکمل نبودن کالاهای تولیدی اعضای سارک و رژیم‌های تجارتي آن‌ها؛
- ✓ تأثیرپذیری تجارت از روابط دوجانبه غیراقتصادی به جای مناطق اقتصادی مزیت‌های نسبی؛
- ✓ تنش و نبود اعتماد میان هند و پاکستان و سایر کشورهای منطقه؛
- ✓ ترس و نگرانی شایع میان کشورهای آسیای جنوبی درباره نقش هژمونیک هند در منطقه؛
- ✓ نبود هماهنگی سیاسی؛
- ✓ وابستگی به ایالات متحده آمریکا؛

- ✓ پیچیدگی‌های استفاده از سیاست‌های تجاری ترجیحی و ناکامی در تحقق سفتا؛
 - ✓ مداخله دولت‌های در حال توسعه اقتصادی؛
 - ✓ تفاوت اندازه و حجم اقتصادهای منطقه‌ی؛
 - ✓ غفلت از اختلافات میان اعضا؛
 - ✓ خودداری اعضا بزرگ‌تر سارک به ویژه هند از انجام مسؤولیت خود برای تضمین موفقیت همگرایی منطقه‌ی و بهره‌مندی اعضای کوچک‌تر از مزایایی برابر؛
 - ✓ اختلافات سیاسی بین گروه‌های حاکم و اپوزیسیون در کشورهای آسیای جنوبی؛
 - ✓ همگرایی با نظم جهانی به ترتیبات منطقه‌ی. (فاطمی نژاد، 1395: 104)
4. تنش‌های سیاسی هند و پاکستان

هند و پاکستان همدیگر را عامل تنش میان دو ملت معرفی کرده‌اند. جنرال کاتپالیا¹ از هند منشا روانشناختی، درگیری هند و پاکستان را در رهبران پاکستان می‌بیند و تأکید داشت: «بدون شک مشکلات هند و پاکستان اساساً از رهبری سرچشمه می‌گیرد. رهبری پاکستان به طور مستمر به نفرت و بدگمانی عموم مردم نسبت به مردم هند دامن زده و آن را به عنوان یک ابزار سیاست دنبال کرده است.» در واقع پاکستان یک تصویر متخاصم از رهبری هند را ارائه می‌دهد. در مقابل، پاکستان بخش مهمی ایدئولوژی اساسی آن این است که مسلمانان نمی‌توانند به هندوها اعتماد کنند و همچنان پاکستانی‌ها بر این باور هستند که هند هرگز قادر به پذیرش تجزیه شبه قاره نیست. حاکمان هند در صدد نابودی پاکستان هستند. این ادراکات باعث تنش روزافزون بین دو کشور شده است. (هادیان و ریگی، 1398: 143) رقابت این دو کشور که از اعضای مهم و کلیدی سارک به شمار می‌روند، بالای سایر اعضای سایه افکننده و همگرایی منطقه را به چالش کشیده است. نشان‌هایی از پویایی درون منطقه‌ی سارک از زمان اجلاس سارک در اسلام‌آباد در جنوری 2004 برگزار

1. رئیس سابق اطلاعات نظامی ارتش هند (Kathpalia)

شد، ایجاد شده است. تعارض هند و پاکستان حتی سایه‌اش را بر امکان برگزاری این اجلاس افکنده بود، به دلیل اینکه هند قبل از هر گونه فعالیت دوجانبه مهم و مبتنی بر همکاری منطقه‌یی، خواهان توقف کامل گروه‌های اسلام‌گرا از جانب پاکستان در کشمیر بود. در اسلام‌آباد، در حاشیه اجلاس سارک، هند و پاکستان، جلسه‌ای را بین نخست وزیران هر دو کشور برگزار کرد که در آن بر شروع گفت‌وگوهای دوجانبه براساس اعتمادسازی و همکاری دوجانبه تأکید شد و گفت‌وگوی هند و پاکستان با راهبرد اتحاد تدریجی یکپارچه مان موهان سینگ ادامه یافت و دورنماهای تغییر جهت مثبت در روابط هند و پاکستان، شامل همکاری در زمینه انرژی بین دو کشور آشکار شد. پشت این تغییر جهت مثبت در آسیای جنوبی، فشارهای دوگانه‌ای وجود داشته است. یکی از جانب مردم هند و پاکستان است و دیگری طرف کشورهای همسایه‌ای هستند که از اختلاف و تعارض مداوم منطقه خسته شده‌اند و به تدریج حمایت‌شان را از همکاری منطقه‌یی اعلام می‌کنند. (فارل و همکاران، 1394: 365) در این راستا در این اواخر حتی مردم هند و پاکستان در دو سوی مرز، نسبت به گذشته حالت نوستالوژیک داشته و مشتاق حفظ روابط نزدیک با هم‌دیگر هستند، می‌توان از این پتانسیل برای تقویت هویت منطقه‌یی استفاده کرد. (فاطمی نژاد، 1395: 106) سارک، همکاری فرومنطقه چهار ضلعی رشد شامل چهار کشور (بنگلادش، بوتان، هند و نپال) را تشویق می‌کند. پایه‌های اصلی این رهیافت بهره‌برداری از منابع طبیعی بالقوه مانند آب، چوب، نفت و گاز طبیعی و منابع معدنی است. این رهیافت فرومنطقه‌یی موانع حاصل از تعارض سیاسی میان هند و پاکستان به سارک اجازه نمی‌دهد به پتانسیل بالقوه حقیقی‌اش دست یابد. اگر مفهوم قابل فرض جذاب است، چهار ضلعی رشد قادر به پیشرفت نیست. عوامل این امر هم اقتصادی و هم سیاسی هستند. از نظر اقتصادی، منطقه زیرساخت‌های ضعیفی دارد و به سرمایه‌گذاری عظیمی نیاز است. از نظر سیاسی شک و ترس دوجانبه دائماً پیش‌روی کشورهای مشارکت‌کننده برای تحقق اهداف‌شان ظاهر می‌شود. (فارل و همکاران، 1394: 365) هویت سیاسی متعارض اعضای

سارک اجازه نمی‌دهد که هویت مبتنی بر میراث مشترک اجتماعی-فرهنگی آنها شکل بگیرد. بنا براین، برای مؤفقیّت سارک نوعی هویت منطقه‌یی لازم است. اگر کشورهای عضو برای تأمین مزایای سیاسی محدود خود به دنبال تضعیف منافع منطقه‌یی باشند، پس بهتر است از این پیمان که صرفاً مکان گفت‌وگو می‌شود، کناره‌گیری نمایند. (فاطمی نژاد، 1395: 106) با این وصف، اگر به سخنرانی‌های سران سارک توجه گردد، موضوع همکاری منطقه‌یی را تکرار نمودند؛ ولی راه حل ارائه نکرده اند. اگر به همین شیوه پیش برود، سارک فرصتی برای گرفتن عکس برای رهبران کشورهای جنوب آسیا شده است.

5. اختلافات مرزی

اکثر کشورهای عضو با یک دیگر اختلافات سرزمینی دارند. این اختلافات مرزی بین کشورهای پیمان سارک نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی مناسبات و روابط میان کشورهای منطقه داشته و به صورت بالقوه عامل بی‌ثباتی عدم همگرایی در این منطقه به شمار می‌رود و در مواقعی تبدیل منازعه و چالش میان این کشورها می‌گردد. هند یکی از اعضای این پیمان با اکثر دیگر کشورهای عضو سارک اختلاف مرزی دارند و تنها افغانستان و مالدیو با کشور هند اختلاف مرزی ندارد؛ ولی آنچه به صورت مانعی بر سر دستیابی به راه‌حل‌های جامع در سارک خود نمایی می‌کند، همین تنش‌ها و اختلافاتی است که بین اعضای این پیمان وجود دارد و در راس آن میان هند و پاکستان اختلاف است. هند برعلاوه با پاکستان با دیگر همسایگانش مثل نپال، سریلانکا و بنگلادش نیز اختلاف مشابه دارد که این اختلافات می‌تواند نیل به راه‌حل‌های مشترک منطقه‌یی را تهدید کند (فرزین‌نیا، 1374: 221) که این موضوع خود به خود نشان دهنده ناکارآمدی و کم‌کاری پیمان سارک را نشان می‌دهد.

از جمله مهم‌ترین اختلافات مرزی میان اعضای سارک، اختلاف هند و پاکستان بر سر حاکمیت کشمیر به عنوان بحرانی‌ترین قضیه به شمار می‌رود. مسئله کشمیر و اختلافات مرزی میان هند و پاکستان از ابتدای تأسیس و کسب استقلال پاکستان معضل ثابت دو

دولت بوده و منشا بسیاری از تنش‌ها در جنوب آسیا می‌باشد. از جمله جنگ‌ها و درگیری‌های 1948، 1965، 1971 و 1999 سوابق مناسبات تاریخی این کشورها را به وجود آورده و هنوز محل اختلاف است و اختلافات پاکستان و افغانستان بر سر خط دیورند می‌باشد. این مسئله فضای همکاری دو کشور را تحت‌الشعاع قرارداده (آفاجری و رستمی فر، 1391: 27) و زمینه همکاری میان اعضای را کاهش داده و خصومت‌ها را بیشتر ساخته است.

6. اختلافات هند و پاکستان

هند و پاکستان از جمله بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشورهای جنوب آسیا می‌باشد از بدو استقلال پاکستان از هند اختلافات هر دو کشور تا هنوز ادامه دارد و خصومت دیرینه هند و پاکستان هر گونه تلاش و فعالیتی را به منظور افزایش توافقات پیرامون همکاری اقتصادی و ایجاد صلحی منطقه‌یی را خنثی نموده می‌نماید. مهم‌ترین اختلافات هند و پاکستان به صورت مختصر چنین مطرح می‌شود:

الف- چالش‌های امنیتی و منازعه: جنوب آسیا یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان است و با تهدیدات امنیتی کلاسیک و جدید متعددی روبه‌رو است. مناقشات مرزی، تکثیر سلاح‌های هسته‌یی، منازعات قومی- مذهبی، شورش‌های چپ‌گرایان که در ارتباط با گروه‌های اسلام‌گرای جهانی و منطقه‌یی هستند. تغییرات اقلیمی که می‌تواند این منطقه را با فقیرترین منطقه در جهان تبدیل کند، از جمله تهدیدات امنیتی هستند. از دیگر مسئله مهمی که در این زمینه نبوده، ترتیبات امنیتی خاص منطقه‌یی است که مشکل تهدیدات امنیتی را دوچندان کرده است. (کریمی، 1401: 140) منازعه میان هند و پاکستان ویژگی بارز جنوب آسیا در دوران جنگ سرد و پس از آن تا حال است. از لحاظ ساختار اجتماعی و فرهنگی، شکل‌گیری پاکستان متأثر از تنش بخشی از پیروان هندوئیسم و اسلام در هند است. در ساختار سیاسی- امنیتی منطقه نیز موضوع کشمیر اختلاف و محل منازعه بزرگ میان دو کشور شمرده می‌شود. پاکستان نقش پررنگ در پیوند امنیت جنوب آسیا و

افغانستان دارد. هند نیز در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و امنیتی منطقه، جایگاه مهمی دارد. (عطایی و جعفری، 1397: 163) پاکستانی‌ها امنیت و ثبات افغانستان را در تقابل با امنیت ملی خود می‌دانند و خواستار وابستگی سیاسی، نظامی و اقتصادی به خود هستند. (حق‌پناه و رحیمی، 1390: 303) سازمان سارک سازو کار مشخصی برای مدیریت منازعه نداشته و در مدیریت منازعات موجود در آسیای جنوبی و جلوگیری از ادامه آن‌ها، نقش قابل ملاحظه‌ای ایفاء نکرده است: چون دولت‌های آسیای جنوبی فاقد شخصیت جمعی بوده و نظامی از دولت‌ها را تشکیل می‌دهند که تعهد چندانی به اصول و معیارهای منطقه‌یی ندارند. در این خصوص نیاز به مدیریت منازعه از طریق همکاری بر همه آشکار است؛ اما در زمینه هیچ تعهدی وجود ندارد. در این صورت هیچ سازکاری در سارک برای حل و فصل منازعه وجود ندارد، حفظ صلح و امنیت منطقه‌یی بسیار دشوار شده و این به نوبه خود تأثیر نامطلوبی بر توسعه اجتماعی و اقتصادی منطقه می‌گذارد. (فاطمی نژاد، 1395: 104) مذاکرات هند و پاکستان برای دستیابی به صلح و امنیت و پایدار منطقه که گه‌گاهی تحت تأثیر حوادث و رخدادهای تخریبی قرار می‌گیرد و به دنبال آن همه‌چیز به نقطه آغاز برمی‌گردد، همواره در دستور کار دائمی روابط دو کشور بوده است. (جعفری و غلامعلی، 1400: 63)

امنیت انرژی از دیگر عوامل مهمی است که هند را تبدیل به یک کنشگری فعال امنیتی در این منطقه نموده است. اختلاف هند و پاکستان عاملی است که امنیت مسیرهای انتقال انرژی به منطقه جنوب آسیا را تهدید می‌کند. یکی از دلایل عملیاتی نشدن خط لوله تاپی همین بحران مذکور است. (کریمی، 1401: 147) امنیت دولت‌های کوچک تا حدود زیادی به الگوی دولت‌های بزرگ‌تر وابسته است و فقط موقعی می‌توانند تهدیدی برای قدرت بزرگ باشند که از مزایای اتحاد با قدرت‌های بزرگ‌تر برخوردار شوند. در جنوب آسیا، بنگلادش، بوتان، نپال، سریلانکا و مالدیو که همگی به خاطر موقعیت جغرافیایی و فرهنگ ارتباط نزدیکی با هند دارند، همین دولت‌های کوچک اتحاد با قدرت‌های رقیب

هند می‌تواند برای دهلی‌نو، در دسر ایجاد نمایند و ممکن دولت‌های کوچک نقش حایل را در امنیت محلی ایفاء کنند. (بوزان، 1389: 221)

مسئله امنیت متقابل، عدم مداخله و حسن هم‌جواری از نیازمندی یک سازمان منطقه‌یی است و اینکه کشوری تحت نفوذ کشور دیگری نباشد. سازمان سارک موضوع امنیت را در تعدادی از جلسات خویش ابراز نموده است. گروه‌های مخرب از قلمرو نفوذ خویش برای انجام ترور در قلمرو دیگران عبور و مرور می‌کنند. گروه‌های مخرب با حمایت مالی از کشوری، گاهی اوقات از قلمرو نفوذ دیگری برای دست‌رسی، راه‌اندازی اقدامات تخریبی و آدم‌ربایی به کشور سوم استفاده می‌نمایند. (دلینیک و پاندی، 1392: 66) البته کشورها از این‌گونه اعمال هراس دارند و مرزهای خویش را می‌بندند و این‌گونه موضوعات، همکاری‌های منطقه‌یی را به صورت جدی تضعیف کرده و بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد.

ب- زمینه‌های رقابت هند و پاکستان: الگوی روابط ژئوپلیتیکی در منطقه جنوب آسیا، تقابل و رویارویی دو قدرت مهم این منطقه (هند و پاکستان) را به نمایش می‌گذارد. بنابراین، نگرانی‌های امنیتی اصلی جنوب آسیا مربوط به بخش سیاسی و نظامی ناشی از کشمکش این دو کشور است. حمایت چین از پاکستان باعث شکل‌گیری نوعی الگوی تضاد مستقیم بین هند و پاکستان شده است. این مسئله سبب شده است هند نیز کنشگری امنیتی در منطقه شود. این موضوع منطقه جنوب آسیا را تبدیل به عرصه رقابت میان هند و چین کرده است و ترتیباً نظامی - سیاسی - اقتصادی منطقه شدیداً متأثر از ترتیبات نظامی - سیاسی - اقتصادی هند و چین است. در یک طرف این ترتیبات کشورهای چین - پاکستان - میانمار - بنگلادش و اخیراً افغانستان و در طرف دیگر نیز هند - میانمار - ویتنام قرار دارند. البته نوع روابط استراتژیک در داخل هر یک از این ترتیبات کمی، متفاوت است. (کریمی،

قبل از حوادث یازده سپتامبر سال 2001، محور تنش و نا امنی در محدوده هند-پاکستان مشاهده می‌شد؛ اما با حمله آمریکا و متحدانش به افغانستان و حضور ناتو در این کشور، عضویت افغانستان در سارک تکمیل شد و مرکز ثقل تنش و نا امنی در منطقه به محور هند-پاکستان-افغانستان توسعه پیدا کرد. هر چند رابطه هند و پاکستان رابطه‌ای تقابلی است. این رابطه زمانی شکل می‌گیرد که منافع متعارض بین بازیگران اصلی از اهمیت و حساسیت بالاتری برخوردار شده و تا حدی که رقابت بین آن‌ها از متعارف بین‌المللی خارج گردیده است، به گونه‌ای که مواضع ژئوپلیتیکی آن‌ها در مقابل هم مبتنی بر ارباب و تهدید، جنبه‌ای علنی به خود گرفته است. (یزدان‌پناه و کامران، 1394: 351)

روابط هند و پاکستان نیز همپای روابط با افغانستان، متشنج و شکننده است. مشکلات هند و پاکستان و حل این مناقشات بسیار پیچیده است. در واقع حل منازعات افغانستان و پاکستان نیز تاحدی زیادی تابع حل مناقشات هند و پاکستان است. تهدید هند از جانب پاکستان باعث کنترل حیطه عملیاتی هند در سازماندهی فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی شبه قاره و به ویژه سازمان سارک شده که در مجموع عوامل مذکور دورنمای حل منازعه افغانستان و پاکستان را مبهم می‌کند. (حق‌پناه و رحیمی، 1390: 304)

در کل، رفتار هند و پاکستان در موفقیت و ناکامی سارک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چون از یک طرف این دو کشور، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشورهای آسیای جنوبی هستند که بدون حضور و نقش آن‌ها، هر گونه طرح منطقه‌یی به گونه تقریبی فاقد ارزش است. از طرف دیگر، هند و پاکستان شدیدترین رقابت را در آسیای جنوبی رقم زده اند و تأثیرگذاری مثبت سارک در رفتار آن‌ها را می‌توان به عنوان موفقیت سارک تلقی کرد. به همین دلیل سارک را قربانی آشتی‌ناپذیر میان هند و پاکستان ساخته است. (فاطمی نژاد، 1395: 102) یعنی این دو کشور سازمان سارک را به گیروگان گرفته و قربانی سیاست‌های آشتی‌ناپذیر خود ساخته اند.

ج- بحران کشمیر: بحران کشمیر به عنوان مسئله اصلی اختلافی میان هند و پاکستان است و تأثیر بحران کشمیر بر روابط «دورن منطقه‌یی» شبه قاره هند، نمونه عینی یک بحران ژئوپلیتیکی است که بر مجموعه امنیتی فضای منطقه‌یی شبه قاره، اثر بی بدیلی در قیاس با سایر مسائل و مشکلات که در این منطقه وجود دارد، می‌گذارد. این منازعه نمونه مناقشه حل نشده‌ای که از عادی شدن روابط هند و پاکستان جلوگیری می‌کند و باعث وقوع چهار جنگ بزرگ بین دو کشور شده است. در واقع درگیری دیرینه بین هند و پاکستان بر سر منطقه کشمیر روابط این دو کشور را محدود کرده است. (ترابی و صانعی، 1396: 32)

این بحران باعث گردیده است که همکاری اقتصادی به عنوان اصل تشکیل‌دهنده همگرایی در این منطقه تحقق نیافته و موفقیت سازمان سارک در دورنمایی تحولات این منطقه به یک رویا مبدل شود. براین اساس بحران کشمیر نه تنها فرصت‌های توسعه‌یی بسیاری از مردم شبه قاره هند را سلب کرده و مانع همکاری منطقه‌یی مؤثر در جنوب آسیا شده است. (امیدی، 1388: 174) برای کاهش تنش و گسترش تجارت درون منطقه‌یی باید مسئله کشمیر یا حل گردد و یا به دغدغه دوجانبه هند و پاکستان تقلیل یافته و از فرایند چندجانبه بیرون شود. تاکنون سازمان سارک در حل بحران کشمیر ناکام بوده است و هند و پاکستان با همه اختلافات‌شان در این زمینه در تصمیم به یک توافق منطقه‌یی نرسیده‌اند. برای حل این بحران باید به یک کنسرت خارجی تن بدهند. (لیک و همکاران، 1395: 230)

با حل بحران کشمیر، اختلافات میان هند و پاکستان توسعه می‌یابد و در روند همگرایی منطقه کمک می‌کند که عمده‌ترین چالش سارک حل خواهد شد. برعلاوه آن، هند و پاکستان همسایگانی هستند که مشکلات پیچیده ایدئولوژیک، تاریخی و ژئوپلیتیکی دارند؛ به گونه‌ای که امکان حذف یا حل این مشکلات به آسانی مسیر نیست و در نتیجه این معضلات بر روابط دهلی‌نو و اسلام‌آباد تأثیر منفی گذاشته است. (هادیان و ریگی، 1398: 142) رویارویی سیاست‌مداران و حاکمان کشورهای حوزه جنوب آسیا مخصوصاً هند و پاکستان در رابطه با کشمیر و استفاده ابزاری از بحران مزبور و سایر

عوامل تنش‌زا برای حفظ و ارتقای جایگاه سیاسی خود باعث شده است که کشورهای این منطقه در فرایند همگرایی تأخیر داشته باشند. (امیدی، 1388: 177) بحران کشمیر به این زودی نه قابل حل است و نه ممکن؛ بلکه به عنوان یک عامل تنش‌زا در شبه قاره می‌باشد و سایر کشورهای جنوب آسیا نیز از این بحران رنج برده و در آینده نزدیک نیز کدام امیدی برای حل این بحران وجود ندارد.

د- رقابت تسلیحاتی: بحران کشمیر موجب شروع مسابقه تسلیحاتی سرسام‌آوری در دو شکل متعارف و غیر متعارف (هسته‌یی) میان دو کشور هند و پاکستان شده و هزینه‌های گزاف را بر آن‌ها تحمیل کرده است. دستیابی هند به فناوری انرژی هسته‌یی و بمب اتمی، باعث نگرانی‌های پاکستان گردید و این کشور نیز تصمیم گرفته تا به هر شیوه ممکن حتی به بهای علف خوردن که شود به این ابزار قدرت و بازدارنده دست‌یابند. دستیابی هند به فناوری هسته‌یی از دهه هفتاد اتفاق بزرگی بود که پس آزمایش‌های اتمی هند در سال 1998 و اقدام متقابل پاکستان به مثابه شوک سیاسی - امنیتی در گستره منطقه و جهانی بود. (مصفا و نوروزی، 1393: 630) شی‌ام ساران وزیر خارجه وقت هند گفته بود: «به نظر نمی‌رسد هند در پی تکثیر سلاح‌های هسته‌یی باشد یا همکاری یا هند باعث تضعیف رژیم منع گسترش سلاح هسته‌یی شود.» وی اظهار داشت: «هند مایل به ظهور هیچ دولت دارای تسلیحات هسته‌یی به خصوص در همسایگی‌اش نیست و در رابطه با تکنالوژی‌های مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی ما نمی‌توانیم هیچ‌گونه مخفی کاری را مشروع قلم‌داد کنیم. ما معتقدیم که همه‌ای دولت‌ها باید به تعهداتشان به موجب معاهدات و ابزارهای بین‌المللی پای‌بند بوده و علاوه بر آن در انجام تعهداتشان شفافیت را رعایت نمایند. (شفیعی و ماندنی، 1389: 136) یکی دیگر از چالش‌های منطقه جنوب آسیا برخورداری هند و پاکستان از تسلیحات هسته‌یی است. فرهنگ راهبردی آسیای جنوبی با دشمنی میان هند و پاکستان مشخص شده است. عوامل مختلفی باعث حرکت هند و پاکستان به سمت

تسلیحات هسته‌یی شدند. محرک‌ها و عللی که هند را به سمت برنامه تسلیحات هسته‌یی سوق داد، طور ذیل است:

1- نگرانی از تهدید چین به ویژه پس از شکست هند در جنگ 1962 و آزمایش تسلیحات هسته‌یی پکن در سال 1964؛

2- تضمین برتری منطقه‌یی در برابر پاکستان؛

3- ارتقای جایگاه هند در سطح جهانی.

محرک‌های پاکستان را برای حرکت به سمت برنامه تسلیحات هسته‌یی را می‌توان به صورت ذیل ذکر کرد:

1- بی‌اعتمادی تاریخی پاکستان به هند؛

2- ترس اسلام‌آباد از جاه طلبی‌های هسته‌یی دهلی نو؛

3- جنگ هند و پاکستان در سال 1965 و 1971 و شکست پاکستان. (هادی‌پور و همکاران، 1399: 182)

اگر به آینده سازمان سارک بنگریم، همانطور که هند و پاکستان بزرگ‌ترین و کلیدی‌ترین اعضای این سازمان است و مهم‌ترین موانع در همکاری سارک، هند و پاکستان است تا سازوکار جدید در توسعه روابط هر دو کشور به وجود نیاید؛ تمام روابط دیگر را دچار مشکل ساخته است. رقابت تسلیحاتی در منطقه موجب افزایش تنش بین هند و پاکستان شده است. هر دو کشور در صدد برتری از یک دیگر بوده و است. این مسابقه تسلیحاتی و هزینه‌های نجومی در حالی صورت می‌گیرد که دو طرف به شدت با بلای خانمان سوز فقر، بیماری و عقب ماندگی مواجه می‌باشند. (منصوری، 1389: 204) مع الوصف، هند در حال رشد و توسعه اقتصادی است و اما پاکستان به شدت از ضعف اقتصادی رنج می‌برد و در پی وام‌های بلاعوض می‌باشد.

7. وضعیت ساختاری واحدهای سیاسی در جنوب آسیا

قدرت نامتوازن واحدها، رقابت سیاسی و ترس از سلطه کنش‌گری قدرت‌مند در منطقه، پیامدهای منفی پنهان بر روند منطقه‌گرایی دارد. کشورهای کوچک و کم‌حاشیه جنوب آسیا مانند بوتان، مالدیو و نپال حساسیت‌های کمتری داشته‌اند؛ ولی روند استقلال هند، پاکستان و بنگلادش، به تقابل هند و پاکستان رسمیت داد. تقابل دو کشور در سایه تحولات جنگ سرد تشدید گردید. (مصفا و نوروزی، 1393: 630) جنوب آسیا ساختار قدرت نامتوازن و نامتقارن دارد. ماهیت این عدم تعادل و عدم تقارن در این امر نهفته است که هند به مراتب در مسائلی همچون اندازه جمعیت، منابع و قدرت نظامی نسبت به سایر کشورهای همسایه برتر است. هند هرچند به صراحت بر این موضوع تأکید نمی‌کند؛ اما براساس موقعیت برتر خود انتظار دارد که همسایگانش، موقعیت برتر این کشور را به رسمیت بشناسند. البته به گونه تقریبی تمام همسایگان منطقه‌یی هند موقعیت برتر این کشور را در درون منطقه پذیرفته‌اند؛ اما چیزی که در برابرش مقاومت می‌کند، سلطه هژمونیک هند در این منطقه است. (دلینیک و پاندی، 1392: 131) هندی‌ها همواره در صدد دیکته کردن سیاست به سریلانکا، نپال و بنگلادش بوده‌اند. از سوی دیگر، ساختار امنیتی جنوب آسیا دو قطب پایدار برای مدت چند دهه بوده است. این تداوم ناشی از سلطه هند و پاکستان بر شبه قاره است که هر دو رقبای اصلی یک‌دیگرند و تغییرات در امور داخلی یا خارجی در جنوب آسیا صورت نگرفته است که این الگو را دگرگون سازد. در این حالت می‌توان اظهار داشت که تغییرات مداوم در دورن و اطراف شبه قاره، ساختار مربوطه پایدار مانده است. تغییرات داخلی، از جمله تقسیم پاکستان و نیز تحولات خارجی باعث برهم خوردن الگو اصلی نشده و حتی موجب تقویت بیشتر حالت دوقطبی موجود شده است. (بوزان، 1389: 237)

8. تولید و قاچاق مواد مخدر

از نظر پیشینه تاریخی، مسیر دریایی اقیانوس هند، به ویژه مسیری که با نام «مسیر جنوب» معروف است و از سواحل مکران در جنوب آسیا تا سواحل شرقی آفریقا ادامه دارد، از مسیرهای مهم جریان تجارت مواد مخدر به ویژه قاچاق تریاک و هروئین شمرده

می‌شود. تا جایی که در سال‌های اخیر، آب‌های جنوب آسیا و به ویژه خلیج بنگال به بستر حمل و نقل غیرقانونی موادمیایی بدل شده است که از آن‌ها به عنوان مواد اولیه تولید «متامفتامین»¹ استفاده می‌شود. اسناد زیادی از حمل و نقل این مواد از جنوب آسیا به بنادر تانزانیا به منظور استفاده در بازار مواد مخدر داخلی و جهانی وجود دارد (اطلاعی و جاویدبخت، 1400: 293) افزون بر آن، کشت مواد مخدر در جنوب آسیا پیشینه چند هزار ساله دارد که در گذشته بیشتر در حوزه داروئی مطرح بوده است. اما کشت مواد مخدر به صورت عرضه در بازار جهانی و به عنوان یک معضل اجتماعی شمرده می‌شود. همچواری جغرافیای منطقه مثلث طلایی که شهرت تاریخی در زمینه تولید و قاچاق مواد مخدر دارد. سابقه در حدود پنج دهه را به خود اختصاص داده و مسیرهای دریای عرب و خلیج بنگال سبب شده است که این مسیرها به یکی از ایده‌آل‌ترین مسیرهای دریایی برای حمل و نقل مواد مخدر تبدیل گردد. تجارت مواد مخدر سود سرشار آن یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های درآمدزایی شبکه‌های تبهکار حاضر در جنوب آسیا شده است. چگونگی حمل این محموله‌ها از طریق دریا در قالب محموله‌های بزرگ مخفی شده در کشتی‌های باربری یا محموله‌های کوچک‌تر به وسیله قایق‌های ماهی‌گیری مجهز به موتور سریع از مسیر سریلانکا به پاکستان یا هند و از آنجا با استفاده از مسیرهای دریایی خلیج بنگال به سایر نقاط جهان انتقال داده می‌شود. (اطلاعی و جاویدبخت، 1400: 294)

پس از آغاز کشت مواد مخدر در جنوب آسیا، این منطقه اهمیتی بیشتر یافت؛ زیرا منطقه تبدیل به یک مرکز تولید و توزیع مواد مخدر شد. همچنین به دلیل اوضاع بی‌ثباتی در افغانستان، این منطقه به یکی از مراکز مهم قاچاق اسلحه نیز تبدیل گردید. تمامی تلاش‌های صورت گرفته به وسیله دولت افغانستان و جامعه بین‌المللی برای قطع جریان مواد مخدر با شکست مواجه شد که دلایل آن تصورات اشتباه در خصوص مواد مخدر این

1. Methamphetamine

بررسی علل چالش‌های درون‌منطقه‌یی سارک / 75

است که تولید مواد مخدر در افغانستان پدیده نوظهور است. تصورات غلط باعث افزایش تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان شده است. برای از بین بردن و ریشه‌کن ساختن مواد مخدر در سطح وسیع سریع‌ترین و مؤثرترین راه برای باثبات‌سازی افغانستان می‌باشد. (فرجی‌راد و همکاران، 1389: 36) سازمان سارک در زمینه محو کشت و قاچاق مواد مخدر دستاورد قابل ملاحظه نداشته است. از آنجای که منطقه سارک - به خصوص افغانستان از مناطق کاشت و قاچاق مواد مخدر محسوب می‌شود، این سازمان کنوانسیون مبارزه با مواد مخدر و روانگردان را در سال 1990 به امضا رساند. هدف از امضای کنوانسیون مذکور آگاهی‌دهی به کشورهای عضو پیرامون مسائل معتادین و قاچاق مواد مخدر به ویژه در میان جوانان سارک اعلام شد. (امیدی، 1388: 143)

9. فقر گسترده

با توجه به مشکلات کشورهای عضو سارک، از جمله ازدیاد جمعیت و درآمد سرانه پائین، مسئله مبارزه با فقر همواره جز یکی از اولویت‌های سارک بوده است. از این رو در ششمین اجلاس سران سارک در سال 1991، کمیسیون مستقل کاهش فقر، برای بررسی از وضعیت فقر در منطقه تشکیل شد. در هفتمین اجلاس سران سارک مسائل مالی، مانند حقوق کارگران، حق تحصیلات ابتدایی برای همه افراد را در اولویت قرار داد. در یازدهمین اجلاس سران سارک نیز بیش از پیش به مسئله همکاری با دیگر سازمان‌های منطقه‌یی و بین‌المللی جهت مبارزه با فقر تأکید گردید. در این اجلاس کمیسیون مستقل موضوع کاهش فقر زیر نام «آینده ما، مسؤولیت ما» را ارائه نموده و فعالیت‌های را به منظور فقرزدایی در سازمان سارک تدوین نمود. (آقاجری و رستمی‌فر، 1391: 22)

مشکلات اقتصادی و بحران توسعه از دیگر دغدغه‌های دول سارک شمرده می‌شود. میلیون‌ها نفر از مردم این مناطق در فقر به سر می‌برند. درآمد پایین و کیفیت پایین زندگی سایر شاخص‌های اقتصادی و توسعه را متأثر ساخته است. به جز از هند، رشد صنعتی سایر کشورها شرایط مطلوبی ندارد. از منظر سازمان ملل متحد، کشورهای افغانستان از 1971،

بوتان از 1971، بنگلادش از 1975 و نپال هم از 1971 جزو اقتصادهای با کم‌ترین میزان توسعه یافتگی هستند که از نظر اقتصادی مشخصه مهمی برای کشورها و منطقه شمرده می‌شود؛ کشورهای پاکستان، سریلانکا و مالدیو هم از اقتصادهای در حال توسعه و ضعیف محسوب می‌شوند. (مصفا و نوروزی، 1393: 631) با وجودی که رشد اقتصادی هند سریع است و اما هند در عین حال عقب مانده است و صدها میلیون تن از شهروند این کشور در فقر زندگی می‌کند و در حدود یک سوم جمعیت آن در فقر شدید به سر می‌برند. (نای، 1395: 42)

ضعف زیرساخت‌های بهداشت و درمان، اشتغال بخش کثیری از مردم به کشاورزی، ماهی‌گیری، دام‌داری، ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل، ضعف صنعتی، تجارت محدود و غیرمکمل و درآمد پایین مردم را در این منطقه ملاحظه کرد. در این منطقه مشکلات زیرساخت‌ها، وابستگی به انرژی و رشد ناهمسان شهری، رشد ضعیف بخش خصوصی، میزان کم سرمایه‌گذاری خارجی، وابستگی به وام‌های خارجی، بالا بودن ریسک سیاسی در مناطق بحرانی، از دیگر مشکلات اقتصادی جنوب آسیا هستند. در مجموع این عوامل امنیت، پیشرفت اقتصادی، توسعه ملی و رشد منطقه را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. (مصفا و نوروزی، 1393: 632) ایجاد صلح بین اسلام‌آباد و دهلی‌نو به واسطه همکاری دوجانبه اقتصادی با محدوده جدی مواجه است:

الف- مزایای اقتصادی طرفین برای یک دیگر کم‌تر از آن است که بتواند فضای کلی روابط بین آن‌ها را تغییر دهد؛

ب- در شرایطی که هنوز زمینه رفت و آمد غیردولتی بین این دو کشور وجود ندارد، تجارت نمی‌تواند موتور روابط آن‌ها شود؛

ج- پیوندهای اقتصادی به لحاظ داخلی در هیچ یک از این دو کشور اهمیت سیاسی زیادی ندارد. (فاطمی نژاد، 1392: 129)

در نهایت یکی از مهم‌ترین عوامل واگرایی منطقه سارک فقر شدید و مکمل نبودن اقتصاد این کشورها است.

10. عدم موفقیت سپتا و نفتا

کشورهای آسیای جنوبی طی سال‌های گذشته تلاش نموده‌اند که تا روابط خود را در قالب ترتیبات تجاری دسته جمعی نیز تنظیم نمایند و در این راستا، یکی «سپتا» و دیگری «سفتا» را طراحی کرده‌اند که به صورت مختصر بررسی می‌شوند.

الف- سپتا: سپتا (ترتیبات تجارت ترجیحی سارک) اولین گام کشورهای جنوب آسیا در فرایند حمایت از همگرایی اقتصادی «سپتا» بود، تصمیم راه‌اندازی ترتیبات تجارت ترجیحی سارک، در نشست سران این سازمان در دهلی‌نو در ماه می سال 1995 اتخاذ شد. اهداف اساسی سپتا، توسعه تجارت از طریق اقتصادهای ملی، فراهم کردن فرصت‌های شغلی بیشتر و تامین سطح بالاتر زندگی در منطقه سارک بود. این موافقت‌نامه حاوی قوانین گسترده‌ای برای آزادسازی تجارت درون منطقه‌یی بود و اولی گام به سمت ایجاد منطقه آزاد تجاری یا اتحادیه گمرکی یا دیگر انواع مناطق تجاری آزادتر محسوب می‌شد. در نتیجه مذاکرات در مورد تعرفه خطها به توافق رسیده‌اند. سپتا منحصراً به تجارت کالا می‌پرداخت. در چارچوب این موافقت‌نامه، کشورهای عضو به ترتیب امتیازاتی را در زمینه اقدامات تعرفه‌یی، شبه تعرفه و غیرتعرفه‌یی برای هم‌دیگر قایل می‌شدند. اما مهم‌ترین «نقطه ضعف» سپتا، به پوشش واقعی آن در زمینه امتیازات تضمین شده برای تجارت ترجیحی بر می‌گشت. در مجموع 15 درصد کالاهای وارداتی این کشورها را تشکیل می‌دادند. در کل کشورهای عضو سپتا به علل گوناگون به اهداف خود دست نیافتند. (فاطمی نژاد، 1395: 109) سپتا نقش قابل ملاحظه در روند منطقه‌گرایی ایفا نتوانست. اما کشورهای عضو اگر اراده‌ای برای ادامه آن داشته باشد، می‌تواند مؤثر واقع شوند.

ب- سفتا: سفتا (منطقه تجارت آزاد آسیای جنوبی) با توجه به ضعف سپتا، کشورهای آسیای جنوبی برای تقویت فرایند منطقه‌گرایی اقدام به ایجاد سفتا کردند که در اول جنوری

2006 اجرایی شده است. سفتا در گسترش همگرایی در جنوب و مناطق متأثر از آن تأثیر مثبت دارد. سفتا پیشرفت قابل ملاحظه برای بهبود تجارت درون منطقه‌یی و همکاری‌های پروژه محور محسوب می‌گردد. با این حال چیزی که به دست آمده، کافی نیست و هنوز راه طولانی برای تبدیل شدن به سازمانی مؤفق را در پیش دارد. (دلینیک و پاندی، 1392: 99) با توجه به حجم تجارت غیر رسمی میان کشورهای منطقه و هزینه‌های بالای آن است. به میزانی که تعرفه‌های بالا و موانع غیرتعرفه‌یی باعث استفاده از کانال‌های تجاری غیرقانونی در آسیای جنوبی می‌شود، موافقت‌نامه تجارت آزاد دوجانبه و چندجانبه باعث هدایت جریان‌های تجاری غیرقانونی به کانال‌های رسمی می‌گردد. در مجموع، سه دیدگاه متفاوت در مورد منطقه‌گرایی آسیای جنوبی در چارچوب سفتا وجود دارد.

1- رویکرد خوش‌بینان که تأکید دارند آینده همگرایی منطقه‌یی در قالب موافقت‌نامه تجارت آزاد آسیای جنوبی روشن بوده و دستاوردهای اقتصادی آن، به‌ویژه برای اقتصادهای کوچک‌تر این منطقه بسیار مهم است؛

2- رویکرد بدبینان که باورمند موافقت‌نامه مزبور نتیجه مثبتی به همراه نداشته و حتی برای رفاه و آزادسازی تجاری یک‌جانبه در منطقه پیامدهای منفی نیز در پی دارد؛

3- رویکرد بینابینی که معتقدند هرچند دستاوردهای بالقوه این موافقت‌نامه، از آزادسازی یک‌جانبه کم‌تر است؛ اما نمی‌توان از مزایایی آن برای کشورهای کوچک منطقه چشم‌پوشی کرد. (فاطمی نژاد، 1395: 116) خوش‌بینی در ابتداء وجود داشت اگر به همان خوش‌بینی ادامه می‌داد، موفقیت‌های نیز کسب می‌کردند. اما کشورهای جنوب آسیا تجارت و اقتصاد را قربانی سیاست نموده و مردم این منطقه را از زندگی مرفه و آرام محروم ساخته است.

11. افغانستان و سارک

افغانستان با داشتن موقعیت استراتژیک، منحصر به فردی در همگرایی منطقه‌یی به مثابه گذرگاه میان آسیای میانه، آسیای جنوبی و منطقه غرب آسیا می‌باشد. یکی از

ابتکاراتی که برای جامعه‌پذیری و سیاست‌گذاری‌های جدید در افغانستان و منطقه در میانه‌ای از توافقات سیاسی در داخل و بیرون منطقه شکل گرفت، به عضویت در آوردن افغانستان در سارک بوده است که از سال 2005 تقاضای عضویت آن مطرح و در اپریل سال 2007 در چهاردهمین جلسه عضویتش پذیرفته شد. الحاق افغانستان به سارک در این مقطع و با این شرایط به بالابردن ریسک ذاتی منطقه و ضعف منطقه‌گرایی منجر شده است. مشکلاتی از قبیل عدم انسجام ملی جامعه افغانستان، بی‌ثباتی و پیشرفت کند اقتصاد افغانستان محیط را ناآرام‌تر کرده است. رفتار متفاوت هند و پاکستان به جایگاه افغانستان هم بخشی از این ناهمسازی را به روند منطقه‌گرایی آن‌ها منتقل می‌کند و سارک را همین ضعف، ابهام و پیچیدگی پیش برده است. (مصفا و نوروزی، 1393: 639) اکثر مردم افغانستان از عضویت‌شان در سارک آگاهی ندارند و کتاب و مقالات علمی توسط نویسندگان افغانستان بسیار به ندرت وجود دارد.

برای توسعه اقتصادی افغانستان باید توجه بیشتر گردد و برای افغانستان باید امتیاز و جایگاه برتری در سازمان همکاری‌های جنوب آسیا (سارک) داده شود. مراکز منطقه‌یی سارک همان طور که در دیگر کشورهای عضو تأسیس شده است، در افغانستان هم تأسیس گردد. به منظور جلب و جذب گردشگری، دولت افغانستان باید اقدامات لازم جهت رشد و توسعه صنعت گردشگری را با فعالیت‌های تبلیغاتی در مثل بامیان انجام دهد. همچنان در جاهای امن‌تری مثلاً در شمال شرق کشور کارهای اساسی باید صورت گیرد. همچنین بعضی از راه‌حل‌های عملی منطقه‌یی را باید در قضیه افغانستان دخیل ساخت. هند، پاکستان، بنگلادش و نپال که در زمره پنج همکار بزرگ حافظ صلح ملل متحد می‌باشند و هم عنوان اعضای سارک و هم منحنی همسایگان نزدیک افغانستان؛ باید علاقه خاص در برابر صلح و توسعه افغانستان داشته باشند. کشورهای منطقه دارای منافع بزرگ در ثبات افغانستان هستند. (بلخی، 1392: 163)

ولایت بامیان یکی از ولایت‌های مرکزی افغانستان است که در جشنواره‌ای که سال 2015 با حضور مقامات افغانستان و مسئولان سازمان سارک و نمایندگان کشورهای عضو این سازمان در بامیان برگزار شده بود، رسماً به عنوان مرکز فرهنگی سازمان همکاری‌های منطقه‌یی جنوب آسیا (سارک) برگزیده شد.

از جمله آثار تاریخی بامیان هشت اثر به عنوان میراث فرهنگی جهانی در مؤسسه علمی، فرهنگی و آموزش سازمان ملل (یونسکو) ثبت شده‌اند. وجود همین آثار تاریخی و مناظر طبیعی بود که سازمان سارک بامیان را به عنوان پایتخت فرهنگی خود انتخاب کرد. (اطلاعات روز، 16 جوزا، 1394) اما اینکه افغانستان از شمولیت در سازمان سارک تا چه حد منفعت برده است تا اندازه‌ای قابل تامل است. ولی افغانستان سالانه 300000 دالر حق‌العضویت پرداخت می‌کند. اما می‌توان گفت نه تنها افغانستان بلکه تمام کشورهای عضو این سازمان دست‌خوش ناملایمات و تنش‌های سیاسی بین کشورهای عضو قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

در یک آزمون کلی چالش‌های در درون منطقه‌یی سارک، ناشی از سوءظن میان اعضا این سازمان منطقه‌یی است که بر تنش‌ها و بی‌ثباتی پایدار ادامه داده است. این سوءظن از اختلافات سیاسی که میان دو عضو مهم و کلیدی این سازمان وجود دارد، بالای سایر اعضا سایه افکنده و بر محور این دو عضو (هند و پاکستان) می‌چرخند. رقابت‌های شدید باعث مسابقه تسلیحاتی مانع همکاری‌های منطقه‌یی شد است. همچنین در حوزه سارک بسیاری از اختلافات مرزی و دریایی حل و فصل نشده باقی مانده است. این تعارضات فیصله نیافته همراه با مشکلات قاچاق مواد مخدر روابط همکاری را مختل کرده است.

یکی از عمده‌ترین اهداف سازمان سارک از بین بردن فقر و بهبود کیفیت زندگی، توسعه اقتصادی در حوزه کشورهای عضو سازمان سارک می‌باشد که تا هنوز به این خواست خود دست نیافته است و دلیل آن تنش‌ها بین دولت‌ها در حوزه سازمان سارک و به ویژه

رقابت‌های سیاسی و اقتصادی هند و پاکستان می‌باشد، این بحران‌ها باعث شده است تا مانع همکاری‌های منطقه‌یی در حوزه سارک گردد، این چالش‌ها نه تنها تأثیر منفی بلایی روابط تجارتي داشته است؛ بلکه به صورت غیر مستقیم باعث شده است تا مبادلات تجاری این کشورها خارج از حوزه آسیای جنوبي باشد. تجارت درون‌منطقه‌یی را به برون منطقه‌یی سوق داده و بازار تجارتي منطقه تحت تأثیر سلیقه‌های سیاسی دولت‌های مطبوع قرار گرفته است. در نهایت چالش‌های درونی که در سازمان سارک وجود دارد، باعث شده این سازمان نتواند به عنوان یک سازمان مؤفق در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، بهبود کیفیت زندگی، کاهش فقر، حذف گمرکات، محو کشت و قاچاق مواد مخدر عرض اندام نماید.

سرچشمه‌ها

الف- کتاب‌ها

- بلخی، میرویس (1392)، افغانستان پس از 2014: نگاهی از بیرون، نشر: کابل، مؤسسه تحصیلات عالی افغانستان، چاپ اول.
- بوزان، باری (1389)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ناشر: تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- حق‌پناه، جعفر، رحیمی، محمد (1390)، ژئوپلیتیک افغانستان و تحولات منطقه‌یی غرب آسیا، ناشر: تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق ع، چاپ اول.
- دلینیک، تامیسیلا، پاندى، نشچال ان (1392)، به سوی همکاری‌های مؤثر در جنوب آسیا، مترجم، سیدمهدی منادی، ناشر: کابل، مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- سیف‌زاده، سید جسین، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل مبانی و قالب‌ها فکری، نشر: تهران، سمت، چاپ دهم.
- فارل، ماری و همکارن (1394)، سیاست جهانی منطقه‌گرایی، مترجمان سیدداود آقایی، ابراهیم طاهری، نشر: تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.

- فرزین نیا، زیبا (1374)، بنگلادش، نشر: تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- لیک، دیوید ای و همکاران (1395) نظم‌های منطقه‌یی؛ امنیت‌سازی در جهان نوین، مترجم، سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، ناشر: تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم.
- مشیرزاده، حیمرا (1395)، تجول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، نشر: تهران، سمت، چاپ چهارم.
- منصوری، جواد (1389) آمریکا و خاورمیانه، ناشر: تهران، وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
- موسی‌زاده، رضا (1395) سازمان‌های بین‌المللی، ناشر: تهران، نشر میزان، چاپ بیست و دوم.
- نای، جوزف (1395) پایان قرن آمریکا؟، مترجم، غلامرضا علی‌بابایی، ناشر: تهران، نشر اختران، چاپ اول.
- شفیعی، نوذر، ماندنی، زهرا (1389)، معامله هسته‌ای آمریکا و هند: فرصت‌ها و چالش‌ها، دانشنامه.

ب- مقالات

- آقاجری، محمدجواد، رستمی‌فر، سیمین سادات پیمان سارک و تأثیر آن بر منطقه‌گرایی، «پژوهشنامه روابط بین‌الملل»، 1391.
- ترابی، قاسم، راضیه، صانعی، موانع تحقق خط لوله تاپی براساس نظریه همگرایی، «فصلنامه تخصصی علوم سیاسی»، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، 1396.
- جعفری، افشین، غلامعلی، علی، چندجانبه‌گرایی؛ چالش‌ها و فرصت‌های سیاست خارجی هند در تعامل با حقوق بین‌الملل، «دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان»، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، 1400.

- روزنامه اطلاعات روز، 16 جوزا، 1394.
- طلایی، فرهاد، جاویدبخت، مارال، ارزیابی نقش سازمان‌های منطقه‌یی جنوب و جنوب شرق آسیا در مبارزه با تروریسم دریایی: مطالعه موردی سارک، بیمستک و آسه‌آن، «فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی»، سال پنجم، شماره دوم، 1400.
- عطایی، فرهاد، جعفری، محمد موسی، تحولات ژئوپلیتیک و سیاست خارجی افغانستان؛ سال‌های 1919 تا 2001، «مطالعات اوراسیای مرکزی»، دوره دوازدهم، شماره یکم، 1397.
- فاطمی نژاد، سیداحمد، تأثیر عامل اقتصادی در مدیریت منازعه هند و پاکستان طی سال‌های 1998-2010، «پژوهش‌نامه ایرانی، سیاست بین‌الملل»، سال دوم، شماره یکم، 1392.
- فاطمی نژاد، سیداحمد (1395) منطقه‌گرایی نهادمحور در آسیای جنوبی: کارایی سنجی سارک، سپتا و سفتا، «فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی»، سال هفتم، شماره چهل و چهارم، 1395.
- فرجی‌راد، عبدالرضا، درخور، محمد، ساداتی، سیدهادی، بررسی ریشه‌های عدم مؤفقیت در جلوگیری از کشت مواد مخدر در جنوب آسیا، «فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی-پژوهشی»، سال هشتم، شماره سی و دوم، 1382.
- کریمی، مهدی، کنشگری امنیتی چین و هند در منطقه جنوب آسیا، «فصلنامه علمی سیاست جهانی»، دوره یازدهم، شماره و سوم، 1401.
- کریمی، مهدی، اصولی اودلو، قاسم، سیفی‌فرزاد، هادی، جعفرزاده، حسن، عدم شکل‌گیری همگرایی منطقه‌یی در جنوب شرق، جنوب و جنوب غرب آسیا، «پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل»، سال دهم، شماره دوم، 1400.
- مصفا، نسرین، نوروزی، حسین، مدیریت محیط امنیتی و افق منطقه‌گرایی در سارک، «فصلنامه مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی»، دوره چهل و چهارم، شماره سوم، 1393.

- هادیان، ناصر، ریگی، حنیفه، امنیتی‌سازی و چالش‌های آب‌های فرامرزی در جنوب آسیا: مطالعه موردی پاکستان، «فصلنامه مطالعات راهبردی»، سال بیست و دوم، شماره دوم، 1398.
- هادی‌پور، میثم و همکاران، بررسی چالش‌های ژئوپولیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنوب آسیا (شبه قاره هند) «نشریه علمی آفاق امنیت»، سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، 1399.
- یزدان‌پناه، کیومرث، کامران، حسن، هند و آینده ژئوپولیتیکی آن در آسیا با تأکید بر نقش ترسیمی ایران، «فصلنامه علمی-پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران»، سال سیزدهم، شماره چهل و ششم، 1394.